Theories and criticism in Arabic literature
The Third Year, Issue 12, 2024
Pp:53-72

Research Paper
DOI: 10.22034/jral.2026.591226.1119

Examining the Manifestations of Resilience in the Poetry of Tahereh Saffarzadeh, Amal Nimr Tannaneh, and Ayat al-Qarmizi

Abolfazle rahmani[1]

(Received: 2023/07/11, Accepted: 2023/08/04)

Abstract

contemporary literature, emerging within the context of struggle against oppression, colonialism, occupation, and injustice, while reflecting the freedom-seeking aspirations of nations. In this regard, women poets have played an influential role in explaining the concepts of resistance and social awakening through the language of poetry. The present study, using a descriptive-analytical method, examines the manifestations of resilience in the poems of three contemporary poets—Tahereh Saffarzadeh, Amal Nimr Tannaneh, and Ayat al-Qarmizi—and attempts to analyze the major themes and literary components of resistance literature in their works. The findings of the study indicate that, despite their cultural and geographical differences, these three poets share a common approach in reflecting concepts such as opposition to oppression, the pursuit of freedom, martyrdom and sacrifice, altruism, resistance against occupation and tyranny, defense of human dignity, and the call for perseverance. Furthermore, through a fluent, emotional, and at the same time explicit language, they portray the individual and collective experiences of their nations and transform poetry into a means of raising awareness, expressing protest, and strengthening the spirit of resistance.The results of the research demonstrate that the poetry of these three poets, in addition to its literary values, possesses significant potential for representing the discourse of resilience and strengthening national and human identity. It also clearly highlights the position of women poets in the formation and continuation of contemporary resistance literature.

Key words: Resistance literature, resilience poetry, Tahereh Saffarzadeh, Amal Nimr Tannaneh, Ayat al-Qarmizi.

[1] Phd in Arabic Language and Literature, Secretary of Education of Mashhad, Mashhad, Iran.
Emil: abolfazlrahman@yahoo.com

©The Author(s). Publisher: Kosar University

التنظيرات والنقد فی الادب العربی
السنة الثالثة، العدد ۱۲، شتاء
۱٤۰۲هـ، ۲۰۲٤م، صص ۷۲-٥۳

مقاله پژوهشی
DOI: 10.22034/jral.2026.591226.1119

بررسی جلوه های پایداری در اشعار طاهره صفّارزاده، أمل نمر طنانهٔ و آیات القرمزی

ابوالفضل رحمنی*

تاریخ دریافت: ۲۱/ ۰۴/ ۱۴۰۲
تاریخ پذیرش: ۱۴/ ۰۵/ ۱۴۰۲

چکیده

ادبیات پایداری یکی از مهم‌ترین شاخه‌های ادبیات معاصر است که در بستر مبارزه با ظلم، استعمار، اشغال و بی‌عدالتی شکل گرفته و بازتاب‌دهنده آرمان‌های آزادی‌خواهانه ملت‌هاست. در این میان، شاعران زن نیز با بهره‌گیری از زبان شعر، نقش مؤثری در تبیین مفاهیم مقاومت و بیداری اجتماعی ایفا کرده‌اند. پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی، به بررسی جلوه‌های پایداری در سروده‌های سه شاعر معاصر، طاهره صفارزاده، امل نمر طنانه و آیات القرمزی، می‌پردازد و می‌کوشد مهم‌ترین مضامین و مؤلفه‌های ادبیات مقاومت را در آثار آنان واکاوی کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این سه شاعر، با وجود تفاوت‌های فرهنگی و جغرافیایی، در بازتاب مفاهیمی چون ظلم‌ستیزی، آزادی‌خواهی، شهادت‌طلبی، ایثار، مبارزه با اشغال و استبداد، دفاع از کرامت انسانی و دعوت به مقاومت، رویکردی مشترک دارند. همچنین، آنان با زبانی روان، عاطفی و درعین‌حال صریح، تجربه‌های فردی و جمعی ملت‌های خود را به تصویر کشیده و شعر را به ابزاری برای آگاهی‌بخشی، اعتراض و تقویت روحیه مقاومت تبدیل کرده‌اند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که شعر این سه شاعر، افزون بر ارزش‌های ادبی، از ظرفیت بالایی در بازنمایی گفتمان پایداری و تقویت هویت ملی و انسانی برخوردار است و جایگاه زنان شاعر را در شکل‌گیری و تداوم ادبیات مقاومت معاصر به‌خوبی نمایان می‌سازد.

واژگان کلیدی: ادبیات مقاومت، شعر پایداری، طاهره صفارزاده، امل نمر طنانه، آیات القرمزی.

۱. دکترای زبان و ادبیات عربی و دبیر آموزش و پرورش مشهد، مشهد، ایران. (نویسندهٔ مسئول).
ایمیل: abolfazlrahman@yahoo.com

حقوق مؤلف: نویسنده **ناشر:** دانشگاه کوثر

۱. مقدمه

ادبیات پایداری یکی از مهم‌ترین شاخه‌های ادبیات متعهد است که در بستر مبارزه با ظلم، استعمار، اشغال و بی‌عدالتی شکل گرفته و بازتاب‌دهنده آرمان‌های آزادی‌خواهانه ملت‌هاست. در ایران، این جریان ادبی هم‌زمان با انقلاب مشروطه و جنگ جهانی اول، متأثر از گرایش‌های ملی و میهنی، نمود یافت. در شعر شاعران مشروطه، مفهوم وطن جایگاهی برجسته پیدا کرد و مبارزه با استبداد و استعمار، دفاع از آزادی، عدالت‌خواهی و استقلال‌طلبی از مهم‌ترین مضامین شعر این دوره شد. در دوره‌های بعد، به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ادبیات پایداری با الهام از آموزه‌های اسلامی و فرهنگ عاشورا، ابعاد گسترده‌تری یافت و شاعران متعهد به بازتاب ارزش‌هایی چون مقاومت، ایثار، شهادت و مبارزه با ظلم پرداختند.

امام خمینی(ره) نیز استقامت و پایداری را از ارکان اساسی دفاع از عزت و کرامت مسلمانان می‌داند و بر ضرورت ایستادگی در برابر دشمنان تأکید می‌کند (خمینی، ۱۳۷۸، ج۱۳: ۴۶۳-۴۶۴). ازاین‌رو، ادبیات پایداری در اندیشه ایشان ریشه در آموزه‌های قرآن کریم و سنت اهل‌بیت(ع) دارد و جلوه‌ای از ادبیات دینی و وحی‌محور به‌شمار می‌رود.

اصطلاح «ادبیات مقاومت» نیز از نیمه دوم قرن بیستم، به‌ویژه پس از جنگ ژوئن ۱۹۶۷، رواج گسترده‌ای یافت و به ادبیاتی اطلاق شد که هدف آن تقویت روحیه مقاومت، آگاهی‌بخشی، دفاع از حقوق ملت‌ها و مبارزه با اشغال، استبداد و تبعیض است. در این نوع ادبی، مضامینی همچون دعوت به جهاد و مبارزه، بازپس‌گیری حقوق غصب‌شده، عشق به میهن، عدالت‌خواهی و نوید پیروزی جایگاهی ویژه دارند.

در میان شاعران معاصر، طاهره صفارزاده، امل نمر طنانه و آیات القرمزی از جمله شاعرانی هستند که شعر خود را در خدمت بیان آرمان‌های مقاومت و دفاع از کرامت انسانی قرار داده‌اند. اگرچه این سه شاعر در بسترهای جغرافیایی و فرهنگی متفاوتی زیسته‌اند، اما اشتراک در جهان‌بینی اسلامی، روحیه ظلم‌ستیزی، دفاع از آزادی و حمایت از ملت‌های ستمدیده، سبب همگرایی اندیشه‌های آنان شده است. آنان با بهره‌گیری از زبان شعر، مردم را به مقاومت، ایستادگی در برابر ظلم و دفاع از هویت دینی و ملی فراخوانده‌اند.

با وجود پژوهش‌های متعدد درباره شعر مقاومت، بررسی تطبیقی جلوه‌های پایداری در آثار این سه شاعر کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ازاین‌رو، پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی، می‌کوشد مهم‌ترین مؤلفه‌های ادبیات پایداری را در اشعار آنان شناسایی و تحلیل کند و وجوه اشتراک و افتراق دیدگاه‌های ایشان را در بازنمایی مفاهیم مقاومت، آزادی‌خواهی، شهادت، مبارزه با ظلم و دفاع از هویت اسلامی و ملی تبیین نماید.

۱. ۱. سؤالات پژوهش

با توجه به مطالب گفته شده، مقالهٔ پیش‌رو سعی می‌کند به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱ـ مهم‌ترین جلوه‌ها و مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار طاهره صفارزاده، امل نمر طنانه و آیات القرمزی کدام‌اند؟

۲ـ چه وجوه اشتراک و افتراقی در بازنمایی مفاهیم مقاومت و پایداری در اشعار این سه شاعر وجود دارد؟

۳ـ آموزه‌های دینی و شرایط اجتماعی و سیاسی چه تأثیری بر شکل‌گیری گفتمان مقاومت در شعر این سه شاعر داشته است؟

۴ـ هر یک از این شاعران از چه شیوه‌های ادبی و هنری برای بیان مفاهیم پایداری و مقاومت بهره گرفته‌اند؟

۱. ۲. پیشینه تحقیق

درباره شعر طاهره صفارزاده پژوهش‌های متعددی انجام شده و آثار وی از جنبه‌های گوناگون، به‌ویژه ادبیات مقاومت، مورد بررسی قرار گرفته است. از مهم‌ترین این پژوهش‌ها می‌توان به مقاله «بررسی تطبیقی مفاهیم مقاومت و پایداری در اشعار فدوی طوقان و طاهره صفارزاده» اثر عبدالأحد غیبی و فرزانه احمری (۱۳۹۴) اشاره کرد که مؤلفه‌هایی همچون استعمارستیزی، دعوت به بیداری، وطن‌دوستی، تکریم شهید، عدالت و آزادی را به‌عنوان مضامین مشترک دو شاعر معرفی کرده است. همچنین، مقاله «انقلاب در شعر طاهره صفارزاده» نوشته عصمت زارعی، به بازتاب اندیشه‌های انقلابی در اشعار این شاعر پرداخته است.

از دیگر پژوهش‌های مرتبط، مقاله «ابعاد اسلام‌گرایی در شعر طاهره صفارزاده» اثر علی‌اکبر سامخانیانی و سیده طیبه مدنی ایوری (۱۳۹۵) است که اسلام‌گرایی در شعر صفارزاده را در محورهایی مانند قرآن‌محوری، وحدت اسلامی، امام‌باوری، عدالت‌خواهی، مبارزه با استعمار و حمایت از مظلومان جهان بررسی کرده است. همچنین مقاله «تحلیل تطبیقی درون‌مایه‌های مقاومت در اشعار طاهره صفارزاده و زینب عبدالسلام عبدالهادی حبش»، «بررسی تطبیقی مضمون جنگ در شعر صفارزاده و غاده السمان»، «واکاوی اشعار انقلابی در دیوان فدوی طوقان و صفارزاده» و «بررسی تطبیقی مؤلفه‌های پایداری در اشعار طاهره صفارزاده و سید قطب» نیز هر یک از منظرهای مختلف به تحلیل شعر مقاومت صفارزاده پرداخته‌اند.

در زمینه شعر آیات القرمزی نیز پژوهش‌هایی انجام شده است؛ از جمله مقاله «بررسی روابط بینامتنی در شعر بیداری اسلامی بحرین» اثر فرامرز میرزایی و زهرا کوچکی‌نیت (۱۳۹۳) که گونه‌های مختلف بینامتنیت در اشعار شاعران بحرینی، از جمله آیات القرمزی، را بررسی کرده است. همچنین مقاله «جلوه‌های پایداری در اشعار آیات القرمزی بحرینی» اثر صدیقه زودرنج و زهرا کوچکی‌نیت، مؤلفه‌هایی

همچون آزادی‌خواهی، ظلم‌ستیزی، دعوت به وحدت ملی، هویت دینی و وطن‌دوستی را در اشعار وی تحلیل کرده است.

در مقابل، با وجود جایگاه ادبی امل نمر طنانه در شعر مقاومت معاصر، تاکنون پژوهش مستقلی درباره اشعار وی یافت نشده است. همچنین، بررسی منابع موجود نشان می‌دهد که تاکنون هیچ پژوهشی به مطالعه تطبیقی جلوه‌های پایداری در اشعار طاهره صفارزاده، امل نمر طنانه و آیات القرمزی به‌صورت هم‌زمان نپرداخته است. ازاین‌رو، پژوهش حاضر با گردآوردن این سه شاعر در یک چارچوب تطبیقی، می‌کوشد ضمن تبیین وجوه اشتراک و افتراق اندیشه مقاومت در آثار آنان، خلأ موجود در مطالعات ادبیات پایداری را تا حدی جبران کند.

۲. ادبیات مقاومت

ادبیات مقاومت یا ادبیات پایداری، یکی از شاخه‌های مهم ادبیات متعهد است که در بستر مبارزه با ظلم، استبداد، استعمار، اشغال و هرگونه ستم اجتماعی و سیاسی شکل می‌گیرد. این گونه ادبی، افزون بر برخورداری از ارزش‌های هنری، رسالتی اجتماعی و انسانی بر عهده دارد و با تکیه بر مفاهیمی چون آزادی، عدالت، کرامت انسانی، ایثار، شهادت، وطن‌دوستی و دفاع از هویت ملی و دینی، به آگاهی‌بخشی و بیدارسازی جامعه می‌پردازد.

ادبیات مقاومت، برخاسته از شرایطی است که موجودیت مادی و معنوی یک ملت در معرض تهدید قرار می‌گیرد. عواملی همچون استعمار، استبداد، اشغال سرزمین، خفقان سیاسی، تبعیض، سلب آزادی‌های فردی و اجتماعی، جنگ و تجاوز، زمینه‌های شکل‌گیری این نوع ادبیات را فراهم می‌کنند. ازاین‌رو، جان‌مایه اصلی آثار مقاومت، مبارزه با بیداد داخلی و تجاوز خارجی، دفاع از آزادی و حفظ هویت فرهنگی و ملی ملت‌هاست (شکری، ۱۳۶۶: ۱۰)

از منظر تاریخی، ادبیات مقاومت پیشینه‌ای هم‌پای تاریخ ادبیات جهان دارد؛ زیرا انسان همواره در جست‌وجوی عدالت، آزادی و برابری بوده است. این نوع ادبیات، روایتگر مبارزه ملت‌ها برای رهایی از ستم، دفاع از سرزمین، حفظ فرهنگ و هویت قومی و دینی و پاسداشت ارزش‌های انسانی است. به همین دلیل، مضامینی همچون قهرمانی، ایثار، شهادت، وطن‌دوستی، مقاومت، انقلاب، آزادی‌خواهی و امید به پیروزی، از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن به شمار می‌آیند (الأسطة، ۲۰۰۸: ۹)

ژان پل سارتر نیز ادبیات را امری متعهد می‌داند و معتقد است: «غرض از ادبیات، تلاش و مبارزه برای دستیابی به آگاهی، حقیقت و آزادی انسان است؛ ازاین‌رو، نویسنده در برابر آنچه می‌نویسد مسئول است، زیرا سخن گفتن خود نوعی عمل کردن است» (سارتر، ۱۳۴۸: ۳۵). این دیدگاه، جایگاه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری نویسنده را در ادبیات مقاومت به‌خوبی تبیین می‌کند.

در اندیشه اسلامی نیز مقاومت جایگاهی بنیادین دارد. امام خمینی(ره) استقامت را لازمه دفاع از عزت و استقلال امت اسلامی دانسته و بر این باور است که مسلمانان در مسیر دفاع از حق نباید در برابر دشواری‌ها سستی کنند (خمینی، ج۱۳: ۴۶۳-۴۶۴). ازاین‌رو، ادبیات مقاومت در جهان اسلام، افزون بر جنبه‌های ملی، ریشه در آموزه‌های قرآن کریم و سنت اهل‌بیت(ع) دارد و مفاهیمی چون جهاد، صبر، ایثار، شهادت و نصرت الهی را بازتاب می‌دهد.

اصطلاح «ادبیات مقاومت» از نیمه دوم قرن بیستم، به‌ویژه پس از جنگ ژوئن ۱۹۶۷، رواج گسترده‌ای یافت و به ادبیاتی اطلاق شد که در دفاع از حقوق ملت‌های تحت ستم و مقابله با اشغال، استعمار و استبداد پدید آمد. در این میان، مقاومت مردم فلسطین، انقلاب اسلامی ایران، مبارزات مردم الجزایر و دیگر جنبش‌های آزادی‌بخش، زمینه رشد و گسترش این گونه ادبی را فراهم کردند. غسان کنفانی نیز مقاومت فرهنگی را هم‌سنگ مقاومت سیاسی و حتی زمینه‌ساز مقاومت مسلحانه می‌داند و بر نقش ادبیات در حفظ هویت و تقویت روحیه مبارزه تأکید می‌کند (الأسطة، ۲۰۰۸: ۲۷)

امروزه ادبیات مقاومت تنها به مبارزه با اشغالگران خارجی محدود نمی‌شود، بلکه نقد استبداد داخلی، فساد، تبعیض و بی‌عدالتی را نیز در بر می‌گیرد. ازاین‌رو، این گونه ادبی به یکی از مهم‌ترین ابزارهای «مقاومت نرم» و مبارزه فرهنگی تبدیل شده است. نویسندگان و شاعران متعهد با بهره‌گیری از ظرفیت‌های زبان و هنر، ضمن ثبت رنج‌ها و آرمان‌های ملت‌های مظلوم، در حفظ حافظه تاریخی، تقویت هویت ملی و دینی و گسترش فرهنگ آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی نقش مؤثری ایفا می‌کنند. هرچند این گروه از نویسندگان در طول تاریخ همواره با فشار، سانسور، تبعید، زندان و حتی ترور روبه‌رو بوده‌اند، اما آثار آنان به‌عنوان اسناد ماندگار مقاومت، نقش مهمی در بیداری ملت‌ها و تداوم مبارزه با ظلم داشته است. بنابراین، تعهد، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و دفاع از حقیقت، مهم‌ترین ویژگی‌های ادبیات مقاومت به شمار می‌روند؛ ادبیاتی که فراتر از یک جریان هنری، بازتاب‌دهنده وجدان بیدار ملت‌ها و تجلی مبارزه همیشگی حق در برابر باطل است.

۳. بررسی شرح حال هر سه شاعر

۳. ۱. طاهره صفّار زاده

طاهره صفارزاده،شاعر و نویسنده،محقق و مترجم قرآن در ۲۷ آبان ماه سال ۱۳۱۵ در سیرجان به دنیا آمد،او در ۶ سالگی تجوید و قرائت و حفظ قرآن را در مکتب خانه زادگاهش آموخت و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در کرمان گذراند. وی نخستین شعرش را در ۱۳ سالگی سرود. تحصیلات دانشگاهیش در رشته زبان و ادبیات انگلیسی بود، ایشان پس از تحصیلات خارج از کشور، در سال ۱۳۴۹ به استخدام دانشگاه شهید بهشتی درآمد. پس از انقلاب، به عنوان رئیس دانشگاه شهید بهشتی و رئیس دانشکده ادبیات انتخاب شد و سرانجام در آبان ماه سال ۱۳۸۷بر اثر بیماری درگذشت.

۳. ۲. أمل نمر طنّانه

امل نمر طنانه شاعر لبنانی–سوری در سال ۱۹۶۵ در جنوب لبنان «بنت الجبیل» از خانواده‌ای اهل علم و ادب و فرهنگ به دنیا آمد، تحصیلات ابتدایی و راهنمایی و متوسطه را در مدارس دمشق ادامه داد و از دانشگاه لبنان در رشته زبان و ادبیات عرب فارغ التحصیل شد. در سن ۱۴ سالگی شعر سرود و به روزنامه نگاری روی آورد و به مدت یک سال سر دبیر مجله «الحدائق» بود، ۳۵ نمایشنامه برای کودکان نوشته که مهمترین آنها عبارتند از: «مفتاح النور»، «قمر الأعیاد» و «العطش»، علاوه بر نماشنامه،۱۵۰ ترانه برای کودکان سروده و در تألیف روش‌های تدریس نیز فعالیت داشته است. اکنون به تدریس و امور فرهنگی و هنری می پردازد. او علاقه فراوانی به جبهه مقاومت و ایران دارد و طنانه با اشعار شاعران ایرانی مثل: طاهره صفارزاده و حمید سبزواری آشنا بوده است. او سه دیوان شعری دارد که عبارتند از: «هذا هو الحب»، «هذیان فی حمی الحب» و «حلم من ضیاء». طنانه به ادب و شعر ملی و وطنی و دینی بویژه ادبیات کودک توجه خاصی داشت.

طنانه بالغ بر بیست نمایش نامه برای کودکان سروده که بیانگر دین و وطن و تربیت و اخلاق است.برخی از آنها درباره حجاب شرعی (تکلیف الفتیات) و برخی درباره مناسبت های دیگر اسلامی مثل:میلاد پیامبر(ص)،میلاد امام علی (ع) و اعیاد مسلمانان و یادبود عاشوراء) و آثار دیگرش مثل: أغلی من دمی، الهدیهٔ، شروق، القندیل، بائعهٔ الکبریت). برخی درباره مقاومت و مبارزه مثل: (عودهٔ الفرح، القمر العائد). برخی دیگر در مورد موضوعات علمی مثل: (هی الربیع). در سال ۲۰۰۴ در جشنواره هنر و ابداع از برنامه‌های (تحکی الأشیاء، رادیو نور) جایزه ابداع دریافت کرد. او از جمله شاعران کلاسیکی مقید به لزوم رعایت وزن در شعر محسوب می‌شود. طنانه در زمینه داستان نویسی طبع آزمایی کرده که عبارتنداز: داستان‌های پیامبران، داستان‌های ائمه (ع)، سیرهٔ نبوی، سیرهٔ علوی، سیرهٔ فاطمی، اصحاب رسول (ص)، کلیلهٔ و دمنه، داستان‌های بهلول، فقه آسان برای کودکان و ... .

۳. ۳. آیات القرمزی

آیات القرمزی دختر ۲۳ ساله بحرینی در سال ۱۹۹۱ در روستای «صدد» به دنیا آمد، او دانشجوی دانشکده تربیت معلم که در جریان اعتراضات به حکومت بحرین به علت سرودن اشعار اعتراضی و شعرخوانی در تظاهرات توسط مأموران حکومت دستگیر و بازداشت و در تاریخ ۱۲ ژوئن ۲۰۱۱ به یکسال حبس محکوم شد. خانواده القرمزی سابقه‌ای طولانی در اعتراض علیه حکومت پادشاهی بحرین داشته‌اند. پدر آیات، حسن یوسف القرمزی، در سال‌های دهه ۹۰میلادی به دلیل اشعاری که در انتقاد از حکومت وقت آل خلیفهٔ می‌سرود بازداشت شده بود و برادرانش – از جمله عبدالله یوسف القرمزی شاعر و مبارز معروف بحرینی هم بارها تجربه زندان را داشته‌اند.(*http://gomnam.ir*)

وی سرانجام پس از آنکه بیش از ۱۰۰ روز تحت شکنجه‌های جسمی و روحی رژیم نامشروع بحرین بود در ساعت ۲۲ تیرماه ۱۳۹۰ از زندان آزاد شد و مورد استقبال پرشور مردم قرار گرفت.

۴. بررسی و تحلیل جلوه های پایداری در اشعار سه شاعر

۱. ۴. جلوه های پایداری در شعر صفارزاده

صفارزاده در اشعارش، ضمن الهام گرفتن از تعالیم اسلام، بی‌توجهی نسبت به دشمنان را بارها هشدار داده است و جهاد و مبارزه را تنها راه مقاومت در برابر متجاوزان و غاصبان می‌داند.

۱. ۱. ۴. الهام گرفتن از داستان های قرآنی

طاهره صفارزاده از شاعرانی است که با بهره‌گیری گسترده از داستان‌ها و شخصیت‌های قرآنی، مفاهیم مقاومت، صبر، جهاد و پیروزی حق بر باطل را در شعر خود بازآفرینی کرده است. وی با استفاده از شیوه بینامتنیت دینی، شخصیت‌های قرآنی را از قالب روایت تاریخی خارج ساخته و آنها را به نمادهایی برای مبارزه ملت مسلمان ایران در برابر ظلم و استکبار تبدیل می‌کند.

در سروده زیر، شاعر با یادکرد حضرت ایوب(ع) و داستان طالوت و جالوت، مخاطب را به صبر، استقامت و امید به پیروزی دعوت می‌کند:

«لشگر صبر ایوب/ لشگر صبر طالوت/ جالوت خواهد شکست/ بنای یادبود جهالت/ بنای یاد بود رهایی خواهد شد/ اصحاب ظلم و شقاوت/ پیوسته/ سکه را سپر جان کردند/ اما عزرائیل/ آن دستهای هوشیار امینی ست/ که باج نمی‌گیرد/ که رشوه را پس می‌زند/ و عزرائیل/ همیشه در همه جا حاضر است/ در کوچه در خیابان در شهر/ هر جا که می روی/ در کوچه/ در خیابان/ صفوف خیابانی ست/ صفوف متحد جنگلی/ که عاشقانه می‌جنگند» (صفارزاده، ۱۳۸۷: ۱۹۶)

اشاره به حضرت ایوب(ع)، برگرفته از آیات ۸۳ سوره انبیاء «وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَ أَنتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» و آیه (۴۱) سوره ص، نماد صبر و پایداری در برابر سختی‌هاست «وَ اذْكُرْ عَبْدَنا أَيُّوبَ إِذْ نادي رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطانُ بِنُصْبٍ وَ عَذابٍ» و در حالی که داستان طالوت و جالوت، بر اساس آیات ۲۴۹ تا ۲۵۱ سوره بقره: «فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُو اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» بیانگر پیروزی گروه اندک مؤمنان بر سپاه عظیم دشمن به یاری خداوند است. صفارزاده با بهره‌گیری از این دو روایت قرآنی، این اندیشه را القا می‌کند که پیروزی نهایی نه به قدرت ظاهری، بلکه به ایمان، استقامت و نصرت الهی وابسته است. بدین ترتیب، شخصیت‌های قرآنی در شعر او به نمادهای جاودانه مقاومت و مبارزه با استکبار تبدیل می‌شوند.

در بخش دیگری از همین شعر، شاعر با الهام از آیه ﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ * قُمْ فَأَنذِرْ﴾ (مدثر: ۱-۲) می‌گوید:

«و در خیابان/ باران دارد می‌بارد/ بارانی از گلوله/ گلوله می‌بارد/ گلوله می‌بارد/ صدای دعوت قم می‌بارد/ قُم فأنذر/ و اختیار همین است/ که حق تو را می‌خواند/ و تو به پا می‌خیزی/ با اشتیاق و شور شهادت در باران/ آب و گل تن تو/ شکوفه خواهد داد/ گل خواهد داد/ و سلسله گل همیشه منتظر رحمتی است/ که هیچ نمی‌داند کی می‌آید/ که منتظر فصل نیست/ که گرسنگی خاک را نمی داند» (صفارزاده، ۱۳۸۷: ۳۰۸)

در اینجا عبارت قرآنی «قم فأنذر» تنها یک نقل‌قول دینی نیست، بلکه به فراخوانی انقلابی برای قیام در برابر ظلم تبدیل شده است. شاعر با پیوند دادن این آیه با فضای انقلاب و دفاع مقدس، رسالت پیامبر اکرم(ص) را در قالب مسئولیت اجتماعی انسان معاصر بازآفرینی می‌کند و مخاطب را به حرکت، جهاد و شهادت فرا می‌خواند. بنابراین، بینامتنیت قرآنی در شعر صفارزاده، صرفاً جنبه زینتی ندارد، بلکه در خدمت تقویت گفتمان مقاومت و مشروعیت‌بخشی به مبارزه قرار گرفته است.

۲. ۱. ۴. الهام از واقعه کربلا

یکی از برجسته‌ترین سرچشمه‌های ادبیات مقاومت در شعر صفارزاده، فرهنگ عاشورا و قیام امام حسین(ع) است. شاعر، نهضت کربلا را الگویی جاودان برای مبارزه با ظلم و بیعت‌نکردن با ستمگران می‌داند و با بازخوانی این حادثه تاریخی، آن را به وضعیت معاصر جامعه اسلامی پیوند می‌زند؛ به عنوان نمونه:

«ما در محاربه هستیم/ با هر کسی که با حسین (ع) به جنگ است/ و در صلحیم/ با هر کسی که با حسین (ع) به صلح است (۳۱۲)/ همیشه هستی یا ثار الله/ و امت تو آمده است/ خونین و ضد سازش/ و هر که با باطل بیعت نمی‌کند/ یقین می دانم که صادقانه امت توست/ و امت تو آمده است/ و می گوید بیگانه باید برود/ و حق همیشه بماند/ میدان در آفتاب عشق تو می‌سوزد/ تمام میدانها/ میدان فتح و بیعت/ میدان کربلا/ شهدا/ آزادی/ بهشت در انتهای همین میدانهاست/ بهشت در انتهای همین میدانهاست/ و فوج فوج می آیند.»(صفارزاده، ۱۳۸۷: ۳۱۶)

در این ابیات، امام حسین(ع) نماد حق، آزادی و عدالت معرفی می‌شود و تقابل «حق و باطل» از واقعه عاشورا به همه اعصار تعمیم می‌یابد. همچنین تعبیر «یا ثارالله» و تصویر «میدان کربلا» نشان می‌دهد که شاعر، مقاومت امروز را استمرار راه عاشورا می‌داند. از این منظر، کربلا دیگر صرفاً یک حادثه تاریخی نیست، بلکه به الگویی فرهنگی و اعتقادی برای مبارزه با ظلم در همه زمان‌ها تبدیل می‌شود.

۳. ۱. ۴. الهام گرفتن از دفاع مقدّس

دفاع مقدس یکی از مهم‌ترین مضامین شعر مقاومت صفارزاده است. او با نگاهی آرمان‌گرایانه، جنگ تحمیلی را عرصه دفاع از ارزش‌های اسلامی و ملی می‌داند و رزمندگان را ادامه‌دهندگان راه انبیا و شهیدان معرفی می‌کند.

به عنوان نمونه:

«پیام او/ پیام امام/ رگهای خفته این سامان را بیدار می‌کند/ و رهیاران بر می‌خیزند/ و من بر می‌خیزم/ از قبر این جوان/ او زنده است/ راهش ادامه دارد/ و من که با جهالت می‌جنگم/ جنگ و شهادتم/ ادامه دارد.../ چون که دعوت قُم آمد/ همه جواب شدند/ رود شدند/ روانه شدند/ و در مصبّ غیب به هم پیوستند/ و در مصبّ غیب به همراهان پیوستند/ امام/ دستخط رهبری دریا را داشت/ و خلق/ دریا بود/ و ضدّ ظلم برآشفت/ و موجهای خروشان برآمدند»(صفارزاده، ۱۳۸۷: ۳۳۲)

۴. ۱. ۴. شهید و شهادت

یکی از پررنگ‌ترین جلوه‌های ادبیات مقاومت در شعر صفارزاده، ستایش مقام شهید و فرهنگ شهادت است. او با الهام از آموزه‌های قرآنی، شهید را انسانی زنده و جاودانه می‌داند که در جوار رحمت الهی روزی می‌خورد. این نگرش، یادآور آیات مربوط به حیات جاودانه شهیدان در قرآن کریم است.

به عنوان نمونه:

«امروز آن پرندگان شهید/هم زنده اند/هم شاهد/و میهمان خداوند ند/به رزق و روزی پاک/در غرفه های غربت و خرسندی/و این ستمکاران/تجار اسلحه و تنهایی/دژخیم های سلسله ذونواس/خورد و خوراکشان/خبر خون است/خون محاصره شدگان/مظلومان/این فاجعه/در شعر و عکس و قصه نمی گنجد.» (صفارزاده، ۱۳۸۷: ۴۳)

تصویر «پرندگان شهید» استعاره‌ای از عروج روح شهیدان و جاودانگی آنان است. در مقابل، شاعر با توصیف «تجار اسلحه» و «دژخیمان»، چهره خشونت و استکبار را افشا می‌کند. بدین ترتیب، شهادت در شعر صفارزاده تنها یک رخداد فردی نیست، بلکه نماد پیروزی ارزش‌های الهی بر ظلم و عامل تداوم حرکت مقاومت است. از این رو، فرهنگ شهادت در اندیشه او، نیروی محرک مبارزه و ضامن بقای جامعه اسلامی به شمار می‌آید.

۲. ۴. جلوه‌های پایداری در شعر امل نمر طنانه

۱. ۲. ۴. قدس شریف

یکی از برجسته‌ترین مضامین ادبیات مقاومت در شعر امل نمر طنانه، مسئله فلسطین و به‌ویژه قدس شریف است. قدس در نگاه این شاعر، تنها یک سرزمین اشغال‌شده نیست، بلکه نماد هویت، ایمان، کرامت و آرمان مشترک امت اسلامی به شمار می‌آید. طنانه با زبانی سرشار از عاطفه و تصاویر شاعرانه، پیوندی عمیق میان عشق، وطن، دین و مقاومت برقرار می‌کند و عشق به قدس را جلوه‌ای از ایمان و مسئولیت انسانی می‌داند. وی در سروده‌ای درباره قدس می‌گوید:

«لبي سريرك فافترشْ وجفون عينيَّ الوساد/ وصلاة دمعي نغمة تسقيك ألحان الوداد/ دعني أحبك للمدى سكرى يؤرقني البعاد/ وأضم طيفك أكتفي نشوى بلا ماء وزاد/ إنها القدس العاشقة على لسان أمل إنها الأرض الحنون التي/ تتدفق بنغم الأمومة وحنانها/ التي ترسلها إلى النصر وتحتضن آثار مجده كأشلائه بأحضان صدرها الترابي» (*http://www.mepanorama.net*)

در این ابیات، شاعر قدس را همچون محبوبی زنده و مقدس به تصویر می‌کشد که تمام احساسات و عواطف خود را نثار او می‌کند. تعبیرهایی مانند «نماز اشک»، «سرمستی عشق» و «بی‌نیازی از آب و زاد» بیانگر آن است که عشق به قدس، عشقی معنوی و آرمانی است که از مرزهای وابستگی‌های مادی فراتر می‌رود. در ادامه نیز قدس را «سرزمین عاشق» و «مادر مهربان» می‌خواند که فرزندان خود را به سوی پیروزی فرا می‌خواند و شهدای راه آزادی را در آغوش خویش جای می‌دهد.

طنانه با بهره‌گیری از نمادهای مادری، عشق و ایثار، تصویری انسانی و عاطفی از مسئله فلسطین ارائه می‌دهد. در شعر او، قدس نه‌تنها سرزمینی اشغال‌شده، بلکه موجودی زنده است که رنج می‌کشد، انتظار می‌کشد و نوید پیروزی می‌دهد. ازاین‌رو، مقاومت در اندیشه او تنها به مبارزه نظامی محدود نمی‌شود، بلکه به پایداری فرهنگی، حفظ هویت اسلامی و تداوم امید به آزادی نیز گسترش می‌یابد. این نگاه، شعر طنانه را به یکی از نمونه‌های شاخص ادبیات مقاومت معاصر عرب تبدیل کرده است؛ ادبیاتی که عشق به وطن، ایمان دینی و آرمان آزادی را در قالبی هنرمندانه و تأثیرگذار بازتاب می‌دهد.

۲. ۲. ۴. تمجید از رهبران فلسطینی

یکی از برجسته‌ترین مؤلفه‌های ادبیات پایداری در شعر امل نمر طنانه، تجلیل از رهبران مقاومت و شخصیت‌هایی است که در شکل‌گیری هویت مبارزاتی لبنان نقش تعیین‌کننده داشته‌اند. در میان این شخصیت‌ها، امام موسی صدر جایگاهی ممتاز دارد. وی با پایه‌گذاری اندیشه مقاومت، دفاع از حقوق محرومان و تقویت انسجام اجتماعی شیعیان لبنان، به عنوان بنیان‌گذار مقاومت اسلامی شناخته می‌شود. طنانه در قصیده «همس الانتصار» این شخصیت را نه تنها یک رهبر سیاسی، بلکه نماد بیداری، امید و استمرار مبارزه معرفی می‌کند:

«طَوِّقْ أَيا فَجْرُ بِالإِشْراقِ أَيّارا/ واسْفَحْ عَلى الدَّرْبِ مِنْ كَفَّيْكَ أَنْوارا/ عَجِّلْ بِيَ السَّيْرَ ها قَدْ حانَ مَوْعِدُنا/ قَدْ فَتَّحَ الوَرْدُ في خَدَّيْهِ أَزْرارا/ هَلاّ تَقولُ لَهُ: في الصُّبْحِ مَوْعِدُنا؟/ وَلَقَدْ طَرَقْتُ بِكَفِّ الْعَزْمِ أَقْدارا يا مَوْجَةَ الْبَحْرِ ذاكَ الْيَمُّ قَدْ هَدِئَتْ/ مِنْهُ الرِّياحُ فَهَلْ نادَيْتَ بَحّارا؟/ تَأَخَّرَ الْوَقْتُ هَلْ ما زالَ يَذْكُرُني؟/ أَوْ يَقْطِفُ الْقَلْبُ مِنْ ذِكْرايَ تَذْكارا؟/ إِنّي أَنا النَّصْرُ جِئْتُ الْيَوْمَ أُخْبِرُهُ/ سِرّاً مِنَ الْعِشْقِ يَطْوي الْعُمْرَ أَسْرارا/ قَدْ أَقْلَعَ الدَّرْبُ نَحْوَ الشَّمْسِ يَسْأَلُها/ هَلْ لَمْلَمَتْ مِنْ ذُرا الإِصْباحِ أَخْبارا/ عَنْ فارِسٍ أَخْضَرِ الْعَيْنَيْنِ يُشْعِلُها / شَعْباً يَموجُ بِها ناراً وَأَنْوارا/ إِنْ غَيَّبوكَ فَنِعْمَ الْغَيْبُ يُطْلِعُها/ مِنْ دُرْوَةِ الْمَجْدِ راياتٍ وَثُوّارا/ خَبِّرْ عُلاكَ أَيا تَحريرُ أَنَّ لَهُ/ دَيْناً عَلى الْحُرِّ إِمّا زُرْتَ أَحْرارا/ مَنْ كَلَّلَ الشَّوْكَ وَرْداً في مَنابِتِهِ/ وَأَطْلَعَ الْقَفْرَ رَيْحاناً وَأَزْهارا/ مَنْ خَطَّ نَهْجَ أُباةِ الأَرْضِ يَكْتُبُهُمْ/ جُرْحاً يَشُقُّ بِظِفْرِ الْعَزْمِ أَحْجارا»(http://www.alsarh.info/

(ای صبح در ماه أیار روشنایی بتاب، و نورهایی را از دو دستت با حرکت و آموزش سرازیر کن، حرکت مرا شتاب بده، هان وعده ما فرا رسیده است، به راستی من پیروز هستم امروز آمدم به او خبری از عشق می دهم که عمر را با رازهایی می‌پیچاند، علاقه به سمت خورشید برده از او می‌پرسد آیا از اوج صبح و طلوع خبری از سوارکار با چشمان سبز رنگ داری؟ که آنرا با ملتی می‌سوزاند که با آن آتش

و نورهایی را موج می‌زند، اگر ترا پنهان کنند، پس چه خوب است غیبی که آنرا از نسل مجد و بزرگی پرچم‌ها و بیرق ها و انقلابیونی را طلوع می‌کند، ای آزادی بزرگیت را خبر بده که بر گردن جوانمرد و آزاده وظیفه ای هست یا آزادگان را زیارت می‌کنی، کسی که خار را گلی در ریشه‌هایش تاج می‌زند و در بیابان ریحان و شکوفه‌ها طلوع می‌کند، کسی که راه بزرگان زمین را رفته، آنها را با زخم‌هایی می‌نویسد که به کمک اراده پیروز سنگها را می‌شکافد.)

در ادامه، شاعر با وجود غیبت و سرنوشت نامعلوم امام موسی صدر، بر جاودانگی اندیشه او تأکید می‌کند:

طنانه در بخش دیگری از همین قصیده، با خطاب مستقیم به امام موسی صدر، وفاداری خویش به آرمان‌های او را اعلام می‌کند:

«عَهْدي إِلَيْكَ أَيا موسى لَيَصْحَبُني/ شَوْقي إِلَيْكَ صلاةً أَيْنَما سارا/ لَمّا وَفَيْتَ خَلَعْتَ الثَّوْبَ تَمْهَرُها/ أَرْضَ الْجَنوبِ وَأَدْنَتْ كَفُّكَ الدّارا/ مِنْ لَيْلِ سِجْنِكَ نَجْمٌ فَرَّ يَسْأَلُني/ عَنْ مَوْعِدٍ يَرْتَجي مِنْ لَيْلِكَ الثّارا/ قَدْ كُنْتُ أَوَّلَ هُدْبٍ مِنْكَ تُرْسِلُهُ/ يُلْقي عَلى الْيَأْسِ أَسْدالاً وَأَسْتارا/ فَاقْرَأْ على الصُّبْحِ ما أَقْسَمْتُ مِنْ شَغَفٍ/ غَداً سَأَملأُ عَتْمَ الشَّوْقِ أَقْمارا»(*http://www.alsarh.info*)

(ای موسی، با تو عهد و پیمان دارم تا مرا همراهی کنی، با نماز به سوی تو اشتیاق دارم هر جا که حرکت کنی، هنگامی که فوت کردی، لباس را از تن بیرون کردی آنرا با سرزمین جنوب مهر می‌کنی، و دستت خانه را از شب زندانیت محکوک کرد، ستاره‌ای از شب زندانیت گریخت از من درباره وعده‌ای می‌پرسید که انتقام و خونخواهی را از شبت امید داشت، من نخستین مژه از تو بودم که آنرا شانه کردی،و پرده‌ها و پوشش‌هایی را بریدس و نا امیدی انداخته می‌شود، پس در صبح بخوان آنچه را که با اشتیاق و شادی قسم خوردم که فردا آستان اشتیاق را با ماه‌هایی پر خواهم کرد.)

غیبت امام موسی صدر در این ابیات، به معنای پایان راه نیست، بلکه زمینه‌ای برای استمرار آرمان‌های مقاومت و تربیت نسل جدید مبارزان تلقی شده است. شاعر با استفاده از تقابل «غیبت» و «حضور معنوی»، جاودانگی اندیشه مقاومت را به تصویر می‌کشد.

در این ابیات، «عهد» و «نماز» نماد پیمان اعتقادی و اخلاص شاعر نسبت به رهبر مقاومت است. از منظر ادبیات پایداری، این مضامین نشان می‌دهد که مقاومت در نگاه طنانه صرفاً یک مبارزه نظامی نیست، بلکه تعهدی دینی، اخلاقی و انسانی است.

در کنار امام موسی صدر، شهید عماد مغنیه نیز از دیگر چهره‌های برجسته مقاومت در شعر طنانه است. شاعر در مرثیه‌ای که به مادر این شهید و تمامی مادران شهدای مقاومت تقدیم کرده، از مغنیه به عنوان نماد ایثار، شجاعت و جاودانگی یاد می‌کند. تصاویر شاعرانه‌ای همچون «نسیم»، «جنگل عشق»، «خون جاری در رگ‌ها» و «بادبان دیدار» نشان می‌دهد که شهادت، پایان زندگی نیست، بلکه آغاز

حیات معنوی و استمرار راه مقاومت است. در این تصویرپردازی، شهید به سرچشمه امید و انگیزه نسل‌های آینده تبدیل می‌شود و یاد او نیرویی برای تداوم مبارزه با اشغالگران خواهد بود.

یکی از نمادهای بارز در شعر امل نمر طنانه، ستایش و تمجید از قهرمان جهاد و مبارزه است، شهید عماد مغنیه، اسطوره مقاومت تنها رزمنده‌ای خالص از مقاومت اسلامی لبنان بود که برای نجات کشورش از اشغالگران، تا پای جان مبارزه کرد. طنانه در قصیده‌ای که به مادر شهید حاج عماد مغنیه و همه مادران شهداء مقاومت تقدیم کرده، چنین می‌گوید:

«أتسأل عنّي؟/ أتسألُ عنّي؟/ وَبيني و بَيْنَكَ يَعْبَثُ فَوْحُ النَّسيمِ اللَّطيفْ/ يُعانِقُ ظِلَّ مَراياكَ خَلْفَ الْوِشاحِ الشَّفيفْ/ يُقَرِّبُني مِنْكَ أَكْثَرَ مِمّا يُقَرِّبُ رِمْشي لِرِمْشي/ فَأَعْرِفُ أنَّ الزَّمانَ على أُفْقِ لا مُنتهاهُ تشَذَّرْ/ وَأَعْرِفُ/ أَنَّ المكانَ توغَّلَ في غابَةِ الْعشْقِ أَكثرْ/ وَأَعرفُ أَنّي بِذاكَ الصَّباحْ/ تَواريتُ خَلْفَ الزّغاريدِ أَمشي/ وَعُكّازُ صبري/ تَمشُّ عَلى الثُّكلِ،/ حتَى تجوبَ الدّماءُ شرايينَ شوقي إليكْ/ فَيُعشبُ في الصّدرِ غصني ويثمِرْ/ و يشتعلُ اللَّيْلُ في شيبِ شعري/ شراعاً إلى شطِّ لقياكَ يُبحرْ»(*http://www.alsarh. info*)

(آیا از من می‌پرسی؟ میان من و تو بوی نسیم لطیف پخش می‌شود، سایه دیدن تو در پشت زینت لبها در آغوش می‌گیرد، مرا به تو نزدیک می‌کند بیش از حرکت پلکانم، پس می‌دانم که روزگار بر روی افقی قرار داره که انتهایی نداره و پراکنده شده، و می‌دانم که مکان بیشتر در جنگل عشق داخل می‌کند، و می‌دانم که من با آن صبح، در پس آن ترانه‌ها پنهان شدم و راه می‌روم و عصای صبرم بر مرده هجوم برده، تا اینکه خونها در رگ‌ها به خاطر اشتیاقم به سوی تو رخنه می‌کند، پس شاخه‌ام در سینه روییده می‌شود و میوه می‌دهد، و شب در سیاهی موهایم شعله‌ور می‌شود، بادبانی که با دیدار تو دریا می‌شود.)

۳. ۲. ۴. تکریم مادران شهداء

یکی دیگر از محورهای برجسته شعر امل نمر طنانه، تجلیل از مادران شهدا است. در اندیشه شاعر، مادر شهید صرفاً مادری داغدار نیست، بلکه نماد صبر، ایمان، استقامت و تربیت نسل‌های مقاوم به شمار می‌آید. او مادر را شریک حقیقی جهاد فرزند و یکی از ارکان پیروزی ملت معرفی می‌کند. در قصیده‌ای که خطاب به مادران شهدا سروده است، شاعر چنین می‌گوید:

«هُوَ الْحَقُّ يا ابْني إذا ما دعا/ أَرقْتَ لهُ الصَّعْبَ وَالهيِّنا/ وَ أَحْنى عَلى جانِبَيْكَ الْعُلى/ يُرَقّي عَلى كَفِّهِ ما دَنا/ فَبورِكْتَ لما جعلْتَ الْمدى/ كتاباً تُسطِّرُهُ بالمنى/ وَنَصْراً بعينِ السَّماءِ الَّتي/ رَمَتْ طَيَّ مِنْديلِهِ الأزمنا/ لتبقى خُلودَ الشَّهيدِ بِها/ وَأُمَّ الشَّهيدِ سأبقى أنا!!» (*http://www.room-alghadeer.net*)

(ای فرزندم،آ ن حق است هرگاه دعوت کند،سختی را برایش آسان کردی،و بر دو طرف بلندت خمیده می شوم،هرآنچه نزدیک است بر کف دستش بالا می رود،پس مبارک باشه آنگاه که در این مدت کتابی را با آرزوها نوشته ای،و پیروزی ای با چشم آسمان که طی سالها، عمامه اش را بر آن پرتاب کرد تا جاودانگی شهید بوسیله آن باقی بماند،و مادر شهید برای همیشه باقی خواهم ماند.)

در این ابیات، شهادت به عنوان تحقق دعوت حق معرفی می‌شود و مادر شهید، شخصیتی است که با ایمان و بردباری، این مسیر الهی را پذیرفته است. طنانه با استفاده از واژگانی مانند حق، پیروزی، جاودانگی و آسمان، مقام مادر شهید را به مرتبه‌ای قدسی ارتقا می‌دهد.

در مجموع، شعر امل نمر طنانه نشان می‌دهد که مقاومت تنها در میدان نبرد تحقق نمی‌یابد، بلکه در تربیت انسان‌های مؤمن، وفاداری به رهبران مقاومت، تکریم شهیدان و پاسداشت مادران آنان نیز تجلی پیدا می‌کند. ازاین‌رو، ادبیات پایداری در آثار وی، افزون بر جنبه سیاسی، دارای ابعاد عمیق دینی، اخلاقی و عاطفی است که آن را به یکی از شاخصه‌های مهم شعر مقاومت معاصر لبنان تبدیل کرده است.

۳. ۴. جلوه های پایداری در شعر آیات القرمزی

ترسیم مبارزات و رشادت‌های یک ملت در برابر بی‌عدالتی‌ها و ستم بیدادگران، یکی از درونمایه‌های شعر آیات القرمزی است:

۱. ۳. ۴. اعتراض به حاکمان و سیاستمداران

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های ادبیات پایداری در شعر آیات القرمزی، اعتراض صریح به نظام سیاسی بحرین و دفاع از حقوق مردم است. تجربه بازداشت، شکنجه و سرکوب آزادی‌های مدنی، شعر او را به بستری برای افشای ظلم، استبداد و مطالبه عدالت تبدیل کرده است. ازاین‌رو، اشعار وی افزون بر ارزش ادبی، سندی از مقاومت مدنی و مبارزه با استبداد به شمار می‌آید. در قصیده «رهینة»، شاعر تجربه زندانی شدن خود را روایت می‌کند و از رنج مردم بحرین، به‌ویژه شیعیان، پرده برمی‌دارد:

«سيق بي في غيهب الليل إلى السجن رهينة/ حرموا أمي من الراحة من طعم السكينة/ ...واستباحوا كل عيبٍ وحرام/ ثم قالوا ماعلينا من ملام / ما أصابت قبضة القانون يوما غير أرذال اللئام!! / كل هذا طال في البحرين أشراف الكرام/ كل هذا يحصل اليوم ببحرين الوئام/ في بلاد العرب عالين المقام!! / بعد هذا العار والشؤم اللعين/ بعد أن أمعن طاغيهم بقتل المسلمين/ نثروا في أرضنا بذر الضغينة/ وبخبثٍ يتباهون بأن الأرض في أيدٍ أمينة» (*http://burathanews.com/arabic/poetry/166575*)

(مرا در تاریکی شب به عنوان گروگان به زندان برد، راحتی و آسایش را بر مادرم حرام کردند، هر عیب و حرامی را مباح دانستند، سپس گفتند سرزنشی بر ما نیست، قانون روزی یقه این افراد پست و فرومایه را خواهد گرفت، همه اینها برای انسان‌های شریف و محترم در بحرین رخ داده، همه آنچه امروز در بحرین نابودی و هلاکت رخ داده، در کشورهای عربی با موقعیت‌های بالا، پس از این عار و اقبال نحس، پس از اینکه سرکشان به کشتار مسلمانان تأکید کردند، و در سرزمین‌مان تخم کینه را پراکنده کردند، و با خباثت افتخار می‌کردند به اینکه کشور در دست افرادی مورد اعتماد است.)

فضای شعر سرشار از تصاویر اندوه، ظلم و بی‌عدالتی است. ترکیب‌هایی مانند «غيهب الليل»، «رهينة»، «حرموا أمي من الراحة»، «بذر الضغينة» فضایی تاریک و سرشار از اختناق را ترسیم می‌کنند.

شاعر با به‌کارگیری این تصاویر، حکومت آل‌خلیفه را عامل گسترش کینه، خشونت و فروپاشی امنیت اجتماعی معرفی می‌کند. همچنین تقابل میان «أشراف الکرام» و «أرذال اللئام» نشان‌دهنده وارونگی ارزش‌ها در جامعه‌ای است که ستمگران بر آن حکومت می‌کنند.

در سروده‌ای دیگر، آیات القرمزی خواسته‌های مردم بحرین را چنین بیان می‌کند: آیات القرمزی در شعر دیگری خطاب به حمد بن عیسی آل خلیفه چنین می‌گوید:

«لا نريدُ العيشَ في قصرٍ ولا نهوى الرئاسه/ نحنُ شعبٌ يقتل الذل ويغتال التعاسه/ نحنُ شعبٌ يهدمُ الظلمَ بسلمٍ مِن أساسه/ نحن شعبٌ لا نريد الشعب يبقى في انتكاسه»(*http://mzmzmz.nforum*)

(ما زندگی در قصر را نمی‌خواهیم و هوای ریاست هم در سر نداریم ما مردمانی هستیم که ذلت و بدبختی را از بین خواهیم برد ما انسان‌هایی هستیم که بدون اعمال خشونت ظلم را از اساس ریشه‌کن خواهد کرد چرا که نمی‌خواهیم مردم در ضعف و بیچارگی خود باقی بمانند.)

در این ابیات، شاعر تأکید می‌کند که مردم بحرین نه در پی قدرت و حکومت، بلکه خواهان آزادی، کرامت انسانی و عدالت اجتماعی هستند. نکته قابل توجه آن است که مقاومت در اندیشه القرمزی بر پایه مبارزه مسالمت‌آمیز استوار است؛ زیرا ظلم را «بسلم» از بنیان برمی‌کند. این نگاه، مقاومت را از خشونت جدا کرده و آن را به حرکتی مردمی و اخلاقی تبدیل می‌سازد.

۲. ۳. ۴. استناد به قرآن و شخصیت‌های دینی در گفتمان مقاومت

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر آیات القرمزی، بهره‌گیری گسترده از بینامتنیت دینی و قرآنی است. شاعر با استناد به شخصیت‌های قرآنی و وقایع تاریخی اسلام، تجربه شخصی خود را به تجربه‌ای جمعی و مقدس تبدیل می‌کند و از این طریق مشروعیت مقاومت را تقویت می‌نماید.

در قصیده مشهور «زنزانتی میدان لؤلؤتی» که پس از بازداشت وی سروده شده است، زندان به نماد میدان مبارزه تبدیل می‌شود. شاعر با خطاب به حضرت یوسف(ع) می‌گوید:

و نیز آیات در قصیده «زنزانتی میدان لؤلؤتی» خطاب به حاکمان بحرین چنین می‌گوید:

«بسمِ الإلهِ مخافتي ورجائي/ وبمحمدٍ والعترةِ النجباءِ...يا يوسفُ الصدّيق فسّر محنتي/ ألمُ السياطِ وصعقةُ الاعضاءِ/ أنثى..ورعبُ..والعذابُ..ووحدتي/ زنزانتي كالجبِ بالظلماءِ/ ياليتني!! مصلوبةٌ ،منسيةٌ/ والطيرُ تأكلني، لعُظمِ بلائي/ أنا لستُ يائسةٌ، فروحي حرةٌ/ لكنّ جسمي لايطيقُ عنائي/ ياليتني مسبيةٌ مع زينبٍ/ فتعينني لو جاءني أعدائي/ أنا لستُ مريم فالملاكُ يزورها/ «ياليتني...» قالت بلا استحياءِ/ وهتفتُ..ياربا!!من قُربِ الأسى/ أولستَ تسمعُ صرختي ودعائي/ فكأنما الملكوتُ أرسلَ نفحةً/ بتوسلي ،، بروائعِ الأسماءِ/ أبصرتُ في قلبي سماءَ طهارةِ العذراءِ ، والزهراءِ ، والحوراءِ/ فاستيقظت روحي وكلُ جوانحي/ وجوارحي انتفضت على أرزائي/ وتهجدت شفتايَ بالآياتِ/ وابتهجت بشعرِ الثورةِ الغنّاء/ أ نا لستُ راكعةً لمخلوقٍ..بلى/ للهِ..للشعبِ العظيمِ ولائي/ إن أكرهوني باعتذارٍ حسبهم/ اللهُ يعلمُ نيتي وبلائي/ والشعبُ ثارَ ولن يُصدّقَ مكرَهم/ أللهُ أكبرُ ،، ثورةٌ بسمائي/ زنزانتي ميدانُ لؤلؤتي أنا/ أفديكِ يا حريتي بدمائي»

(به نام خداوندی که ترسم از او و امیدم به اوست، و به نام محمد و خاندان پاکان، ای یوسف صدیق! رنج مرا ببین، و همچنین درد شلاق و شوک وارد شده به اعضایم را زن بودن و وحشت و عذاب و تنهاییم را نگاه کن، زندان من مانند قطعه‌ای از تاریکی است، ای کاش! من مصلوب بودم، فراموش شده بودم، و پرندگان مرا می‌خوردند، از بس که مصیبتم گران است، من نا امید نیستم. روح من آزاد است، اما جسمم نمی‌تواند بارم را به دوش کشد ای کاش من به همراه زینب اسیر شده بودم که هرگاه دشمنانم به سویم می‌آمدند، او یاریم می‌کرد، من مریم نیستم که فرشته‌ها به دیدنم بیایند و مانند او بگویم: «ای کاش...»، بله من شرم می‌کنم از این قیاس و از شدت غم فریاد می‌زنم: خدایا آیا فریاد و دعای مرا نمی‌شنوی؟ باز هم از ملکوت نسیمی برایم بفرست به توسل من و به اسم های بزرگی که بر زبان دارم که در در دل خود آسمان پاکی را ببینم «عذرا» و «زهرا» و «حورا» را تا روحم و همه ی اعضایم آرامش پیدا کنند و بدنم به سرنوشتم خو بگیرد و لبهایم با آیات قرآن شب زنده داری کنند و با شعر و آواز به انقلاب امید ببخشند آری ... من در برابر هیچ آفریده‌ای خم نمی‌شوم کرنش کردن من فقط در برابر خدا و مردم بزرگوار است اگر مرا مجبور به عذرخواهی کردند، همین بس است برایشان که خداوند از نیت و مصیبت من آگاه است مردم انقلاب کرده‌اند و مکر آنها را نمی‌پذیرند خدا بزرگ تر است و انقلاب موفق می‌شود میدان لولوء من زندان من است... و من با خون‌هایم فدای تو می‌شوم ای آزادگی من!)

ارجاع به حضرت یوسف(ع) یادآور رنج زندان، مظلومیت و در نهایت پیروزی حق بر باطل است. شاعر با این بینامتنیت، سرنوشت خود را با سرگذشت پیامبری پیوند می‌دهد که پس از تحمل ظلم، به عزت و پیروزی رسید. این پیوند، امید به رهایی و غلبه عدالت را در ذهن مخاطب تقویت می‌کند. در ادامه، شاعر با الهام از آیه ۲۳ سوره مریم: ﴿يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنتُ نَسْيًا مَّنسِيًّا﴾ می‌سراید. کاربرد تعبیر «یا لیتنی»، بیانگر شدت رنج، فشارهای روحی و شکنجه‌های جسمی است؛ اما شاعر بلافاصله این یأس را با امید دینی جایگزین می‌کند و با توسل به خداوند، اهل‌بیت(ع)، حضرت زهرا(س) و حضرت زینب(س)، روحیه استقامت خود را حفظ می‌کند. اشاره به حضرت زینب(س) نیز کاملاً معنادار است: «یا لیتنی مسبیةً مع زینب»

حضرت زینب(س) در فرهنگ شیعی نماد صبر، استقامت و افشای ظلم پس از واقعه عاشورا است. القرمزی با همسان‌سازی وضعیت خود با اسارت زینب(س)، رنج زندان را ادامه راه کربلا معرفی می‌کند و بدین وسیله، مبارزه مردم بحرین را در امتداد نهضت عاشورا قرار می‌دهد. پایان قصیده نیز اوج روحیه مقاومت شاعر را نشان می‌دهد:

«أنا لستُ راكعةً لمخلوق.../ لله... للشعب العظيم ولائي/ زنزانتي ميدان لؤلؤتي أنا أفديك يا حريتي بدمائي»

در این ابیات، زندان از مکانی برای سرکوب به نماد آزادی، ایستادگی و مقاومت تبدیل می‌شود. شاعر

اعلام می‌کند که تنها در برابر خداوند سر تعظیم فرود می‌آورد و وفاداری او به مردم و آزادی است. تعبیر «زنزانتی میدان لؤلؤتی» نیز نشان می‌دهد که حتی زندان نمی‌تواند آرمان آزادی‌خواهی را خاموش کند، بلکه خود به میدان مبارزه تبدیل می‌شود.

۳. ۳. ۴. انتقاد از شکنجه زنان

آیات القرمزی این قصیده را در فستیوال آزادگان در سال ۲۰۱۱ در تجمّع «وطن الجمیع» برای رویارویی با نظام سرکوبگرانه بحرین برای تظاهرات اعتراض آمیز مسالمت آمیز در بحرین سروده و خواستار اجرای دموکراسی است.ایشان در این ابیات از سرکوب و شکنجه زنان آزادیخواه و عدالت طلب توسط رژیم آل خلیفه به شدت انتقاد کرده است:

«لم تزل تمضي على ذات الثباتْ/ رغمَ إجرامِ وظلمِ السلطاتْ/ ملأتْ ساحاتِنا من عزمها/ هكذا رفضاً لهتكِ الحرماتْ/ خرجت في قمّةِ الرفضِ هنا/ أخواتٍ و بناتٍ أمهاتْ/ والحكوماتُ التي ما رَشُدَتْ/ واجهتنا بلهيب الطلقات/ والذي يهدم بيت الله لا/ يستحي من قمعنا في الطرقات/ والذي يحرق قرآنَ السما...»

(*https://www.tasnimnews.com؛https://www.fajrbh.com*)

(پیوسته این ثبات و امنیت با وجود جرم و جنایت و ظلم نیروها می گذرد،میدان های ما را از عزمش پر کرده،اینچنین با هتک حرمت مخالفت می کنند،در اینجا برادران،دختران و مادرانی از سران مخالفت خارج شده اند،و دولت هایی که به محض رشد و توسعه،ما را به اخگر طلاق ها و جدایی ها درگیر کرد،و کسی که خانه خدا را خراب می کند و از سرکوب ما در جاده ها و راه ها شرم ندارد،و کسی که قرآن آسمانی را می سوزاند.)

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی اشعار طاهره صفارزاده، امل نمر طنانه و آیات القرمزی نشان داد که ادبیات پایداری در آثار این سه شاعر، بازتابی از تقابل همیشگی حق و باطل و تجلی آرمان‌های آزادی، عدالت و کرامت انسانی است. هر سه شاعر با الهام از آموزه‌های قرآن کریم، فرهنگ اهل‌بیت(ع) و ارزش‌های اسلامی، شعر را به ابزاری برای آگاهی‌بخشی، بیدارسازی جامعه و دعوت به مقاومت در برابر ظلم، استبداد و اشغال تبدیل کرده‌اند. ازاین‌رو، مهم‌ترین مؤلفه‌های ادبیات پایداری در سروده‌های آنان، ظلم‌ستیزی، دفاع از هویت دینی و ملی، دعوت به جهاد و ایستادگی، تکریم مقام شهید و شهادت، آزادی‌خواهی، امید به پیروزی حق بر باطل و مبارزه با استعمار و استکبار است.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان داد که با وجود تفاوت‌های جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی، این سه شاعر در مبانی فکری و اهداف ادبی، اشتراک‌های قابل توجهی دارند. هر سه، شعر را رسانه‌ای برای دفاع از حقوق ملت‌های مسلمان، افشای جنایت‌های ستمگران و تقویت روحیه مقاومت می‌دانند و بر

این باورند که پیروزی نهایی، تنها از مسیر صبر، استقامت و پایداری حاصل می‌شود. این همگرایی فکری، بیش از هر چیز، ریشه در جهان‌بینی اسلامی و باور مشترک آنان به نقش دین در هدایت جامعه و مبارزه با ظلم دارد.

در عین حال، بررسی تطبیقی اشعار آنان، تفاوت‌هایی را نیز در نوع نگرش و شیوه بازنمایی مفاهیم مقاومت آشکار ساخت. در شعر طاهره صفارزاده، مقاومت با مفاهیمی چون انقلاب اسلامی، بیداری امت اسلامی، مبارزه با استکبار جهانی و بازگشت به ارزش‌های قرآنی پیوندی عمیق دارد. امل نمر طنانه بیش از دو شاعر دیگر به مضامین دینی، آیینی و فرهنگ اهل‌بیت(ع) توجه نشان داده و ارادت به خاندان عصمت و طهارت، عنصر برجسته شعر مقاومت او به شمار می‌رود. در مقابل، آیات القرمزی با زبانی صریح، اعتراضی و انتقادی، بیش از دیگران به افشای استبداد سیاسی، دفاع از آزادی‌های اجتماعی و حقوق مردم بحرین پرداخته و شعر خود را به رسانه‌ای برای اعتراض مدنی و مطالبه عدالت تبدیل کرده است.

از منظر هنری نیز، هر سه شاعر با بهره‌گیری از زبانی روان، عاطفی و تأثیرگذار، همراه با تصاویر حماسی، نمادهای دینی، بینامتنیت قرآنی، خطاب‌های انگیزشی و عناصر بلاغی، توانسته‌اند پیام مقاومت را به شکلی مؤثر به مخاطب منتقل کنند. سادگی زبان در کنار صداقت عاطفی، سبب شده است که اشعار آنان ضمن برخورداری از ارزش‌های ادبی، کارکردی اجتماعی و فرهنگی نیز پیدا کند و در تقویت روحیه مبارزه و امید در میان مخاطبان نقش‌آفرین باشد.

در مجموع، این پژوهش نشان می‌دهد که شعر این سه بانوی شاعر، اگرچه در بسترهای متفاوت سیاسی و اجتماعی شکل گرفته است، اما در بازنمایی گفتمان مقاومت، دفاع از هویت اسلامی و انسانی و مقابله با ظلم و بی‌عدالتی، از اشتراک‌های بنیادین برخوردار است. همچنین، بررسی هم‌زمان آثار این سه شاعر، که تاکنون کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته، نشان می‌دهد که زنان شاعر معاصر سهمی مهم در شکل‌گیری و تداوم ادبیات پایداری جهان اسلام داشته‌اند و آثار آنان ظرفیت فراوانی برای مطالعات تطبیقی در حوزه ادبیات مقاومت، نقد ادبی و ادبیات تطبیقی دارد.

کتابنامه

- آیینه وند،صادق.(۱۳۷۰)،ادبیات مقاومت،کیهان فرهنگی،شماره ۷۹.
- الأسطة،عادل.(۲۰۰۸)،أدب المقاومة من تفاؤل البدايات إلى خيبة النهايات،ط۲،سورية:مؤسسة فلسطين للثقافة.
- خمینی،روح الله.(۱۳۸۹)،صحیفه امام (ره)،ج۱۳،تهران:مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- زرقانی،سیّد مهدی.(۱۳۸۳)،چشم انداز شعر معاصر ایران،تهران: نشر ثالث.
- سارتر،ژان پل.(۱۳۴۸)،«ادبیات چیست؟»،ترجمه ابوالحسن نجفی،ج۱،تهران:کتاب زمان.

- غالی،شکری.(۱۳۶۶)،ادب مقاومت،ترجمه محمد حسین روحانی،تهران:نشر نو.
- صفارزاده،طاهره.(۱۳۹۱)،مجموعه اشعار،تهران:پارس.
- _____،(۱۳۸۷)،طنین بیداری،تهران:نشر تکا.
- _____،(۱۳۸۴)،روشنگران راه،تهران:برگ زیتون،چاپ اول.
- فیض الإسلام،(۲۰۰۰)،جهاد.القدس فی شعر العربی الحدیث فی سوریهٔ،لبنان و فلسطین،قم:مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- کاکایی،عبدالجبّار.(۱۳۸۰)،بررسی تطبیقی موضوعات ادبیات پایداری در شعر ایران و جهان،تهران:پالیزان.
- کنفانی،غسّان.(۱۳۶۱)،ادبیات مقاومت در فلسطین اشغال شده،ترجمه:موسی اسوار،تهران:سروش.
- کنفانی،غسّان.(۲۰۱۴)،أدب المقاومهٔ فی فلسطین المحتلهٔ ۱۹۶۶-۱۹۴۸،دار منشورات الرمال.
- موسی،منیف.(۱۹۸۰)،الشعر العربی الحدیث فی لبنان،ط۱،بیروت:دارالعودهٔ.
- النجم،سید.(۲۰۱۴)،أدب المقاومهٔ؛المفاهیم و المعطیات،القاهرهٔ:دار الهلال.
- *http://www.hamshahrionline.ir*
- *https://ar.mehrnews.com*
- *https://razavi.aqr.ir*
- *http://www.bintjbeilonline.net*
- *http://gomnam.ir*
- *http://armanezanan.ir*
- *http://burathanews.com/arabic/poetry/۱۶۶۵۷۵*

التنظيرات والنقد فى الادب العربى
السنة الثالثة، العدد ١٢، شتاء
١٤٠٢هـ، ٢٠٢٤م، صص ٧٢-٥٣

مقاله بحثيه

DOI: 10.22034/jral.2026.591226.1119

دراسة مظاهر الصمود في أشعار طاهرة صفّارزاده، وأمل نمر طنّانة، وآيات القرمزي

ابوالفضل رحمنى *

(تاريخ الوصول: ١٤٠٢/٠٤/٢١، تاريخ القبول: ١٤٠٢/٠٥/١٤)

المخلص

تُعدّ أدبيات الصمود أحد أهم فروع الأدب المعاصر، وقد نشأت في سياق مواجهة الظلم والاستعمار والاحتلال واللاعدالة، كما تعكس تطلعات الشعوب التحررية. وفي هذا السياق، أدّت الشاعرات دورًا فاعلًا في توضيح مفاهيم المقاومة والوعي الاجتماعي من خلال الاستفادة من لغة الشعر. يتناول هذا البحث، بالاعتماد على المنهج الوصفي . التحليلي، مظاهر الصمود في قصائد ثلاث شاعرات معاصرات، وهنّ طاهرة صفّارزاده، وأمل نمر طنّانة، وآيات القرمزي، ويسعى إلى تحليل أبرز المضامين والعناصر الأدبية لأدب المقاومة في أعمالهنّ. تُظهر نتائج البحث أنّ الشاعرات الثلاث، على الرغم من اختلاف البيئات الثقافية والجغرافية التي ينتمين إليها، يشتركن في تناول مفاهيم مثل مناهضة الظلم، والسعي إلى الحرية، والتضحية والشهادة، والإيثار، ومقاومة الاحتلال والاستبداد، والدفاع عن الكرامة الإنسانية، والدعوة إلى الصمود. كما أنّهنّ، من خلال لغة سلسة وعاطفية وصريحة في الوقت ذاته، يصوّرن التجارب الفردية والجماعية لشعوبهنّ، ويحوّلن الشعر إلى أداة للتوعية والاحتجاج وتعزيز روح المقاومة. وتشير نتائج الدراسة إلى أنّ شعر هؤلاء الشاعرات الثلاث، بالإضافة إلى قيمته الأدبية، يمتلك قدرة كبيرة على تمثيل خطاب الصمود وتعزيز الهوية الوطنية والإنسانية، كما يبرز بوضوح مكانة الشاعرات في نشأة أدب المقاومة المعاصر واستمراره.

الكلمات المفتاحية: أدب المقاومة، شعر الصمود، طاهرة صفّارزاده، أمل نمر طنّانة، آيات القرمزي.

١. دكتوراه فى اللغة العربية وآدابها و مدرس فى التربية و التعليم فى مشهد، مشهد، إيران. (كاتب المسؤول) البريد الإلكترونى: abolfazlrahman@yahoo.com

حقوق المؤلف: الكاتب **الناشر:** جامعة كوثر